



نسبت‌سنجی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای تفسیر: چیستی، قلمرو و روش

محسن قمرزاده^۱ و فهیمه احدی‌پور^۲

^۱ استادیار، گروه معارف، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

mohsen.ghamarzadeh@iribu.ac.ir

^۲ طلبه سطح چهار، تفسیر تطبیقی، حوزه علمیة خواهران (معصومیه)، ایران. رایانامه: ahadipoor1991@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای و تطبیقی در علوم دینی و قرآنی افزایش یافته است. با وجود این، به دلیل نوظهور بودن این مطالعات، ابعاد و مرزهای آنها هنوز به‌طور کامل شفاف نشده است و گاه پژوهشگران در استفاده از این روش‌ها تفاوت‌های موجود را نادیده می‌گیرند. این پژوهش با هدف بررسی چیستی، قلمرو و روش هر یک از این دو نوع مطالعه، به تحلیل مقایسه‌ای آنها پرداخته و نشان داده است که تفاوت‌های عمده‌ای بین ماهیت این دو روش وجود دارد. به‌طور خاص، اختلافات در روش‌شناسی، درون‌دانشی یا برون‌دانشی بودن، گستره موضوعات و اهداف نهایی به چشم می‌خورد. با این حال، این تفاوت‌ها مطلق نیستند و در برخی زمینه‌ها همچون تفسیر یا هدف میانی شناخت، نقاط مشترکی دارند. این مطالعه بر این اساس نسبت میان این دو رویکرد را با توجه به ماهیت و قلمرو، به‌صورت تبیین و عام و خاص من‌وجه تعریف کرده است. همچنین، در ارزیابی روش‌شناسی، مشخص شد که با هر دو این مطالعات، معامله روش مطالعاتی می‌شود، اما با توجه به فرایند و نوع روش مطالعه (تطبیقی یا دینامیکی) رابطه‌ای تبیینی دارند. کلیدواژگان: تفسیر تطبیقی، مطالعات میان‌رشته‌ای، مطالعات تطبیقی

مقاله پژوهشی



مقدمه

در سال‌های گذشته، مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای در علوم دینی، به‌ویژه در تفسیر قرآن، جایگاه مهمی یافته و توجه محققان را به خود جلب کرده است. هریک از این روش‌ها حدود و ویژگی‌های خاص خود را دارند؛ اما در برخی پژوهش‌ها، مرزهای میان این دو نوع مطالعه به‌طور دقیق مشخص نشده و گاه با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شوند. پرسش‌های مرتبط با ماهیت، قلمرو و روش‌های مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن از دغدغه‌های اصلی پژوهشگران به شمار می‌رود. پژوهش حاضر، با هدف بررسی و مقایسه این دو نوع مطالعه، به تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها در زمینه‌های مورد بحث می‌پردازد.

اهمیت این پژوهش در این است که روشن شدن ماهیت این مطالعات به جلوگیری از خلط آنها کمک می‌کند، چراکه ترکیب نادرست این روش‌ها می‌تواند به نتایج نادرست و غیرواقعی منجر شود. شناخت دقیق این روش‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند در انتخاب رویکرد مناسب برای پژوهش‌های دینی سودمند باشد. در نهایت، درک دقیق نسبت‌های بین تفسیر تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای نه تنها به تحلیل عمیق‌تری از هریک از این روش‌ها کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز همکاری‌های علمی و پژوهشی بین رشته‌های مختلف خواهد بود. این همکاری می‌تواند منجر به تولید علم جدید و ارائه دیدگاه‌های تازه در مباحث دینی و قرآنی گردد.

نسبت‌سنجی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای

۱. نسبت‌سنجی چپستی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای

درباره نسبت‌سنجی این دو نوع مطالعه براساس نسب اربعه از سوی پژوهشگران قرآنی نسبت عام و خاص من‌وجه مطرح شده است؛ اما این مطالعه نشان می‌دهد که بین تفسیر تطبیقی و مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌عنوان دو نوع مطالعه مستقل و متفاوت، نسبت تباینی وجود دارد. این به این معناست که هرکدام دارای ویژگی‌ها و روش‌های خاص خود هستند و بر اساس هدف و قلمرو آن‌ها می‌توان به تحلیل‌های متفاوتی دست یافت. تفسیر تطبیقی، به‌عنوان یک روش درون‌دانشی، تأکید بر مطالعه تفسیر و تفاسیر مختلف دارد و به دنبال درک عمیق‌تری از معانی قرآن است و مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌عنوان یک روش برون‌دانشی، به بررسی مسئله‌ای واحد با استفاده از چندین رشته علمی پرداخته و بر ترکیب و تبادل دانش تأکید دارد.

۲. نسبت‌سنجی قلمرو مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای

برخلاف تفسیر تطبیقی، مطالعات میان‌رشته‌ای به بررسی مسئله‌ای واحد می‌پردازد که قابلیت تحلیل در علوم مختلف را دارد. این مسئله واحد می‌تواند یکی از مسائل قرآنی باشد که در آن قابلیت بحث در دیگر علوم نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، بررسی موضوعاتی مانند ارتباط قرآن با علوم تجربی یا علوم اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک مطالعه میان‌رشته‌ای در نظر گرفته شود.

با توجه به اینکه در این اثر مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی مدنظر است، مسئله واحد در مطالعات میان‌رشته‌ای قطعاً یکی از مسائل قرآنی مشترک با دیگر علوم خواهد بود که قابلیت بحث در آن علوم را هم داشته باشد. از آنجاکه مطالعات میان‌رشته‌ای حداقل دو رشته علمی را شامل می‌شود، اگر قلمرو ملاک نسبت‌سنجی واقع شود، باید گفت در این صورت مطالعات میان‌رشته‌ای اعم خواهد بود، زیرا قلمرو میان‌رشته‌ای می‌تواند فراتر از مسائل قرآنی و تفسیر هم باشد، اما در تطبیقی گستره محدود به همان تفسیر است.

۳. نسبت‌سنجی روش مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای

تفسیر تطبیقی یک روش مطالعاتی است که فرایند خاص خود را دارد، زیرا تفسیر تطبیقی ذیل مطالعات تطبیقی، که خود یک روش مطالعه است، مطرح می‌شود. بنابراین قرار دادن تفسیر تطبیقی به‌عنوان یک سبک تفسیری در عرض تفسیر موضوعی و ترتیبی جای تأمل دارد. همچنین مطالعات میان‌رشته‌ای نیز به‌عنوان یک روش مطالعاتی مورد بحث قرار می‌گیرد. از این‌رو این نوع مطالعه، از جهت روش مطالعاتی بودن، هم‌عرض هم قرار می‌گیرند و می‌توان گفت نسبت بین آن‌ها، با این ملاک که هر دو روش مطالعاتی هستند، تساوی است. بنابراین، در تفسیر تطبیقی، روش مطالعه تطبیقی است، اما در مطالعات بینارشته‌ای روش دینامیکی خواهد بود نه روش خاص هر یک از رشته‌های مورد بحث. می‌توان گفت عنوان «بینارشته‌ای» ناظر به مرحله ترکیب آرای دو یا چند رشته مورد نظر در مطالعات بینارشته‌ای است. از این‌رو نسبت بین این دو نوع مطالعه، با ملاک روش به معنایی که گذشت، تباین خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه، پس از بررسی نسبت‌سنجی میان مطالعات میان‌رشته‌ای و تطبیقی نشان دادیم که تفاوت‌های عمده‌ای بین ماهیت این دو روش وجود دارد. به‌طور خاص، اختلافات در روش‌شناسی، درون‌دانشی یا برون‌دانشی بودن،

گستره موضوعات و اهداف نهایی به چشم می‌خورد. با این حال، این تفاوت‌ها مطلق نیستند و در برخی زمینه‌ها همچون تفسیر یا هدف میانی شناخت، نقاط مشترکی دارند. این مطالعه بر این اساس نسبت میان این دو رویکرد را با توجه به ماهیت و قلمرو، به صورت تبیین و عام و خاص من‌وجه تعریف کرده است. همچنین، در ارزیابی روش‌شناسی، مشخص شد که با هر دو این مطالعات، معامله روش مطالعاتی می‌شود، اما با توجه به فرایند و نوع روش مطالعه (تطبیقی یا دینامیکی) رابطه‌ای تبیینی دارند.

منابع

- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۷). تاریخچه، چیستی و فلسفه پیدایی علوم میان رشته‌ای. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۱)، ۳۷-۵۶. <https://doi.org/10.7508/isih.2009.01.003>
- درزی، قاسم. (۱۳۹۸). تاریخ انگاره میان‌رشتگی؛ گذار از نگاه آرمان‌گرایانه و مبتنی بر تلفیق دانش به رویکرد عمل‌گرایانه و مبتنی بر حل مسئله. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۴)، ۱-۳۲. <https://www.doi.org/10.22035/isih.2020.3626.3809>
- درزی، قاسم. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی میان‌رشته‌ای (تفسیر بینا پارادایمی) قرآن و عهدین؛ مفاهیم، گونه‌ها و نمونه‌ها. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۲۰(۱)، ۲۵-۴۴. <https://www.doi.org/10.22051/tqh.2022.39194.3501>
- درزی، قاسم؛ پاکتچی، احمد؛ و فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۲ الف). گونه‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۵(۴)، ۷۳-۱۰۲. <https://doi.org/10.7508/isih.2014.20.004>
- درزی، قاسم؛ و فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۹). روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی. دانشگاه شهید بهشتی.
- درزی، قاسم؛ فرامرز قراملکی، احد؛ و پهلوان، منصور. (۱۳۹۲ ب). الزامات روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۰(۱)، ۳۵-۷۱. <https://doi.org/10.30497/quran.2017.1888>
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۹). روش‌شناسی مطالعات تطبیقی در تفسیر قرآن. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۷(۱)، ۳۵-۵۶. <https://doi.org/10.22051/tqh.2010.3400>
- شاقول، یوسف؛ و عموزاده، محمد. (۱۳۸۶). میان‌رشته‌ای: تعاریف و ضرورت‌ها. رهیافت، ۷(۴۰)، ۲۵-۳۴.
- عسکری، انسبه. (۱۳۹۷). جریان‌شناسی تفسیر تطبیقی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو). دانشگاه علوم اسلامی رضوی.